

نقش تحصیلات عالی در تحقق اهداف انکشاف پایدار

پوهندوی دکتور احمد مسعود منصور^۱، پوهنمل روح افزا امین^۲، بهزاد برمک^۳

^۱دپارتمنت کیمیا عمومي و غیرعضوي، پوهنځي کیمیا، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان
^۲دپارتمنت تاریخ معاصر افغانستان، پوهنځي علوم اجتماعي، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان
^۳مدرس و مدرسان

چکیده

آجندای اهداف انکشاف پایدار در یک بُرهه‌ی حساس تاریخ معاصر، مطرح می‌گردد که جهان با موانع فراوانی روبه‌رو است. فقر و گرسنه‌گی، بی‌کاری و نابرابری، خشونت و بی‌عدالتی، ناامنی و بی‌ثباتی - از جمله چالش‌های بزرگ جهان امروز محسوب می‌شوند. برعلاوه، ضعف حکومت‌داری خوب و فساد گسترده، عدم شفافیت و پاسخ‌گویی، عدم تناسب رشد نفوس و اقتصاد، عدم دسترسی به انرژی پایدار و آب آشامیدنی صحی، مایه‌ی نگرانی جهان بشریت به ویژه افغانستان می‌باشد. انکشاف پایدار یکی از الزامات اساسی هر جامعه است که تکیه بر دانش بشری و سازمانی داشته و برمبنای پالیسی و استراتژی دولتی تحقق می‌یابد که شامل ابعاد مختلفی چون: اقتصاد، امنیت، فرهنگ، دانش، محیط زیست، حکومت‌داری و ده‌ها مورد انکشافی دیگر می‌گردد. بنابراین، پرسشی که مورد توجه قرار می‌گیرد، نقش تحصیلات عالی در تحقق اهداف انکشاف پایدار است.

اصطلاحات کلیدی: تحصیل؛ تحصیلات عالی؛ انکشاف؛ اهداف انکشافی؛ انکشاف پایدار

The Role of Higher Education in Achieving Sustainable Development Goals

Assistant Prof. Ahmad Masoud Mansoori¹, Sr. Teaching Asstt. Rohafza Amin², Behzad Barmak³

¹General & Inorganic Chemistry Department -Chemistry Faculty, Kabul University, Kabul, Afghanistan

²Contemporary History of Afghanistan Department, Social Sciences Faculty, Kabul University, Kabul, Afghanistan

³Lecturer and Helper

Abstract

The agenda of basic development goals is raised sensitively in contemporary history, where the world faces many obstacles. Poverty and starvation, unemployment and inequality, violence and injustice, insecurity and instability – are among the major challenges of today's world. In addition, the weakness of good governance and widespread corruption, lack of transparency and accountability, disproportionate population and economic growth, and lack of access to basic energy and healthy drinking water are a source of concern for the world of humanity, especially Afghanistan. Basic development is one of the basic requirements of any society that relies on human and organizational knowledge and is realized based on governmental policy and strategy, which includes dimensions such as Economy, security, culture, knowledge, environment, governance, and dozens of other developments being developed. Therefore, the question that is considered is the role of higher education in achieving sustainable development goals.

Keywords: Education; higher education; development; development goals; sustainable development

مقدمه

اهداف انکشاف پایدار (Sustainable Development Goals-SDGs 2015-2030)، یک آجندای جامع و همه‌شمول اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و محیط‌زیستی می‌باشد که توسط کشورهای عضو سازمان ملل متحد با توافق آرا برای 15 سال آینده جهان بشریت طرح و ترتیب گردیده است. این برنامه، 17 هدف انکشافی را در قالب 169 تارگیت، 232 شاخص و فعالیت‌های استراتژیک به‌طور متداوم دنبال می‌کند.

افغانستان یکی از کشورهای کم‌ترانکشاف یافته و فقیر نیاز دارد تا برنامه‌های انکشافی خویش را با اهداف انکشاف پایدار، هماهنگ و هم‌خوان سازد؛ زیرا افغانستان زمانی به اهداف انکشاف پایدار دست خواهد یافت که تمام اعضای جامعه به‌صورت آگاهانه نیازمندی‌های خویش را در محدوده‌ی ظرفیت‌های موجود شناسایی نموده و سهم فعال و کلیدی خویش را در کنار دولت، در تحقق این اهداف ایفا نمایند.

انکشاف پایدار یکی از مهم‌ترین جوانب زندگی جمعی مطرح می‌گردد که جهان بشریت با چالش‌های فراوانی چون: فقر و گرسنه‌گی، بی‌کاری و نابرابری، خشونت و بی‌عدالتی، ناامنی و بی‌ثباتی، منابع محدود و مدیریت ضعیف، تحولات اقلیمی و تخریب محیط زیست، امراض گوناگون و عدم دسترسی به خدمات صحی اساسی، ظرفیت‌های پائین مسلکی و معارف بی‌کیفیت، فساد گسترده و حکومت‌داری ضعیف، عدم شفافیت و پاسخ‌گویی، رشد سریع نفوس و رشد بطنی اقتصادی، عدم دسترسی به انرژی پایدار و آب آشامیدنی صحی از جمله مشکلات عمده‌ی جوامع بشری به‌خصوص کشور ما می‌باشند که نگرانی همگان را به بار آورده‌اند. باتوجه به آنچه تذکر رفت، انکشاف پایدار به‌عنوان برنامه جامع و همه‌شمول اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و محیط‌زیستی می‌باشد و الزامات کنونی ایجاب می‌نماید تا منابع عمده‌ی عایداتی کشور به‌گونه دقیق مطالعه و شناسایی و روی آن سرمایه‌گذاری گردد تا به نیازمندی‌های نسل حاضر و آینده پاسخ‌گویی لازم را ارایه دهد و زمانی به اهداف انکشاف پایدار دست خواهیم یافت که هر فرد جامعه به‌صورت آگاهانه نیازمندی‌های خویش را در محدوده‌ی ظرفیت‌های موجود شناسایی و سهم فعال و کلیدی خویش را در تحقق این اهداف ایفا نموده و با رویکردهای واقع‌بینانه و ظرفیت‌های موجود اهداف انکشاف پایدار را در دستور کارهای اقتصادی و اجتماعی نسل حاضر و آینده قرار دهند. همچنان تحصیل به مثابه مهم‌ترین و بارزترین اصل در رشد و بالندگی فردی و اجتماعی است، آن‌گونه انکشاف و توسعه پایدار یکی از اصلی‌ترین اهداف

تحصیلات عالی محسوب می‌شود. بنابراین، پرسشی مطرح می‌گردد که نقش تحصیلات عالی در تحقق اهداف انکشاف پایدار چگونه است؟

براساس پرسش مطرح شده، در تحقیق حاضر تلاش بر این است تا به بررسی نقش تحصیلات عالی در تحقق اهداف انکشاف پایدار پرداخته شود.

همچنان تحقیق حاضر از نوع روش کیفی بوده و با رویکرد تحلیلی و توصیفی اجرا شده است. نتایجی که از این تحقیق حاصل شده است، نشان می‌دهد که انکشاف پایدار، شئون مختلف زندگی انسانی را در بر دارد که شامل: رشد اقتصادی، توسعه زراعتی، انکشاف دهات و مبارزه با فقر می‌شود و با توجه به هدف تحقیق مطرح شده، چنین به نظر می‌رسد که تحصیلات عالی به مثابه ضروری‌ترین و کلیدی‌ترین مظهر دانش و آگاهی انسانی، نقش مثبت و معناداری در تحقق اهداف انکشاف پایدار دارد.

پیشینه تحقیق

جهان امروز ما با مشکلات عظیمی روبه‌رو است. میلیون‌ها انسان زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از گرسنگی شدید رنج می‌برند. نابرابری، بی‌عدالتی، افراط‌گرایی، تروریسم و خشونت در حال افزایش است. سطح بلند بی‌کاری، مخصوصاً در میان جوانان به یک نگرانی جدی تبدیل شده است. تهدیدات بهداشتی، حوادث طبیعی، مهاجرت‌های گروهی و عودت کتلوی مهاجرین، خشک‌سالی، فرسایش زمین، کم‌بود آب شیرین، اثرات نامطلوب محیط‌زیستی و غارت منابع طبیعی فهرست دیگری از چالش‌هایی مهم جهان امروز به ویژه افغانستان می‌باشند. لذا ما نیاز داریم تا جهانی عاری از فقر، گرسنگی، بیماری و تنگ‌دستی، خشونت و بی‌عدالتی، ناامنی و بی‌ثباتی، نابرابری و تبعیض داشته باشیم تا همه اتباع کشور زندگی سعادت‌مند و باعزت داشته باشند. کشورهای جهان امروز بدون توجه به آجدای انکشاف پایدار نمی‌توانند به حیات سالم و بهینه‌ی خویش ادامه دهند.

تمرکز روی پیشینه تحقیق به مثابه چشم‌انداز تجربی، نقش کلیدی و سازنده‌ای در نتایج تحقیق ایفا می‌کند و این رویکرد در عموم تحقیقات علمی لحاظ می‌گردد. بنابراین، پس از تحقیق و جستجوی لازم مشخص می‌شود که در زمینه تحصیلات، دانش و همچنان مسائلی چون: انکشاف و انکشاف پایدار تحقیقات زیادی صورت گرفته است که هر یک از لحاظ ماهیت علمی، جایگاه ویژه دارند. اما به‌طور واضح تحقیق جامع و همه‌شمولی انجام نشده است که بتواند قلمرو موضوعی و مفهومی بحث حاضر را به‌گونه لازم شامل شود و پرسش مطرح شده در این تحقیق را پاسخ‌گو باشد. بنابراین، تلاش صورت می‌گیرد تا در این زمینه مطالعه و بررسی علمی صورت گیرد تا باشد سهم خویش را مرتبط به قضیه ادا نموده باشیم.

روش تحقیق

ثبات و پایداری طبق اهداف انکشاف پایدار فعلاً یک بُعد رقابت‌پذیری برای مؤسسات تحصیلات عالی می‌باشد؛ بنابراین، مؤسسات تحصیلات عالی افغانستان مکلف اند این تقاضاهای زمان را پیروی و اهداف انکشاف پایدار را عملی نمایند. آموزش باکیفیت فکتوری است که سبب می‌گردد تا مؤسسات تحصیلات عالی فواید رقابتی را دارا باشند؛ بنابراین، آموزش باکیفیت یکی از عوامل تأثیرگذار در نهادهای تحصیلی به شمار می‌رود.

در این تحقیق از روش کیفی استفاده شده است و مهم‌ترین منابع آن، کتاب‌های دست اول، مقالات علمی و ژورنال‌های معتبر می‌باشد و نتایجی که از این تحقیق حاصل شده است، نشان می‌دهد که انکشاف پایدار شئون مختلف زندگی انسانی را در بر دارد که شامل: رشد اقتصادی، توسعه زراعتی، انکشاف دهات و مبارزه با فقر می‌شود. همچنان رشد اجتماعی و ظرفیت‌سازی فرهنگی و علمی، رشد الزامات حکومت‌داری و امنیت، ایجاد زمینه‌های لازم برای حقوق شهروندی و مدنی و در نهایت زمینه‌سازی معارف و آگاهی عامه می‌گردد که هریک از شاخص‌های یاد شده، رابطه تأثیرپذیری مستقیم از تحصیلات عالی و آگاهی مسلکی دارد که بدون این امر، هیچ‌گونه اثرگذاری و نتیجه‌یی که از مقبولیت لازم برخوردار باشد، به دست نمی‌آید و تحصیلات عالی به مثابه قلب تپنده در این میان، نقش نهایت کلیدی در تبلور دانش انکشافی داشته که بدون شک، تحصیلات جمع انکشاف مساوی به نتایج مطلوب منجر شده و اثرگذار می‌گردد و این اصل و فورمول تا زمانی مؤثریت دارد که هر دو ضلع و پایه آن همسان مورد توجه قرار داده شود. در غیر این صورت، جامعه‌یی که از فیض دانش و تحصیلات عالی بی‌بهره باشد، بدون شک که به اهداف انکشاف پایدار نمی‌رسد.

روش‌های متعددی در تحقیقات و پژوهش‌های علمی وجود دارد هرکدام متناسب با نوع تحقیقی هستند که یک محقق در حوزه بخش می‌تواند نظریه نوع تحقیق، روش تحقیق خود را انتخاب نموده و مسأله‌یابی نماید؛ زیرا انتخاب روش تحقیق، یکی از مراحل مهم در هر تحقیق به شمار می‌آید. در این مرحله، محقق باید مشخص کند که کدام روش خاص برای تحقیق خود برگزیند. انتخاب روش تحقیق بسته‌گی تام به اهداف و ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی محقق دارد؛ بنابراین، تحقیق حاضر از نوع روش کیفی است که با رویکرد تحلیلی و توصیفی اجرا شده است.

جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌یی است به این معنا که منابع این تحقیق - کتاب‌ها، مقالات و ژورنال‌های علمی و تحقیقی است که با استنتاج متون هریک از آن‌ها، اطلاعات به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در سپتمبر سال 2000 میلادی، در اجلاس هزاره سازمان ملل به تعداد 189 رییس دولت و سران حکومت با تأیید "اعلامیه هزاره"، متعهد به مشارکت برای دستیابی به هشت هدف "اهداف انکشافی هزاره" الی سال 2015 میلادی گردیدند. اهداف انکشافی هزاره به منظور توسعه اقتصادی و فراهم‌آوری نیازمندی‌های جوامع بشری طرح و ترتیب شده بود که افغانستان در سال 2005 میلادی متعهد به تطبیق این اهداف گردید و هدف "تأمین امنیت" را به تعداد اهداف جهانی اضافه نمود.

بعد از ختم معیاد زمانی اهداف انکشافی هزاره در سپتمبر سال 2015، به تعداد 193 کشور جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردهم آمدند و تعهد خویش را در قبال آجندای جدید انکشافی چنین اعلان نمودند: «ما سران کشورها، دولت‌ها و نماینده‌گان عالی‌رتبه حاضر در این نشست از تاریخ 25 الی 27 سپتمبر 2015 در مقر سازمان ملل متحد در شهر نیویارک همزمان با گرامی‌داشت از هفتادمین سالگرد تأسیس این سازمان، در مورد اهداف جدید جهانی انکشاف پایدار چنین تصمیم اتخاذ نموده‌ایم: ما به نمایندگی از ملت‌های خود، تصمیم تاریخی در خصوص مجموعه اهداف و تارگیتهای جهانی انکشاف پایدار، خود را با تلاش خستگی‌ناپذیر در جهت اجرا و تحقق کامل این آجندای انکشافی الی پایان سال 2030 متعهد و باورمند می‌دانیم. ما متعهد به تحقق اهداف انکشاف پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی به شیوه متوازن و یک‌پارچه می‌باشیم.»

همه کشورهای عضو سازمان ملل مصمم گردیدند تا سال 2030 با فقر و گرسنه‌گی، نابرابری و بی‌عدالتی مبارزه نمایند و یک جامعه‌ی مرفه، صلح‌آمیز، شایسته، فراگیر و قدرت‌مند اقتصادی را به بار آورند. انکشاف پایدار به مثابه یک ارزش خاص که در چارچوب مادی و معنوی می‌گنجد ریشه در عمق دانش و آگاهی دارد؛ آن‌گونه که در مسائل مختلف همواره دو عنصر باعث ایجاد یک واقعه می‌گردد که عنصر اول، عامل است و عنصر دومی هم معلول که در بحث حاضر هم تحصیلات عالی به‌عنوان عامل اساسی نقش ایفا کرده و معلول آن انکشاف پایدار است. در بحث ذیل به جوانب آن پرداخته می‌شود:

1. ماهیت انکشاف پایدار

انکشاف در لغت به معنی گشاده کردن، فراخ کردن، گشادی و فراخی آمده است (معین، 1392: ص 86).

معمولاً دولت‌ها در پی افزایش درآمدها، فرصت‌های شغلی و بهره‌وری منابع ملی، منطقه‌ای، ولایتی، شهری و نواحی غیرشهری هستند و ابزارهای تحت اختیار دولت و راهبردهایی که دولت طراحی می‌کند، به‌طور بالقوه می‌تواند در بهبود و ارتقای موارد زیر مؤثر باشد:

- نیروی کار (آماده‌سازی و تدارک نیروی کار، در دسترس بودن هزینه‌ها)؛
- زیرساخت‌ها و امکانات عمومی (در دسترس بودن ظرفیت‌ها و خدمات عمومی پایه همچون حمل و نقل و مخابرات)؛
- تسهیلات کسب و کار و اجتماعی (در دسترس بودن ظرفیت و خدمات برای توسعه شرکت‌های جدیدالتأسیس؛ پارک‌های صنعتی/تکنالوژی/مکاتب/مؤسسات آموزشی/پوهنتون‌ها، تسهیلات ورزشی و گردش‌گری)؛
- ساختار اقتصادی (قالب و ترکیب)؛
- ظرفیت نهادها (رهبری، دانش، مهارت‌ها) در حمایت از توسعه و رشد پایدار (جمعی از نویسندگان، 1387: ص 119).

در واقع ویژه‌گی‌های جامعه انکشاف‌یافته علاوه بر ازدیاد تولید و درآمد ملی از پیشرفت اجتماعی مطلوب نیز در عرصه‌هایی چون: مشارکت سیاسی و اجتماعی، درک جایگاه ملی و بین‌المللی در گستره جهانی، مشارکت وسیع با فرآیندهای اجتماعی و انسانی بین‌المللی، هوشیاری وسیع اجتماعی در سطوح داخلی و خارجی، تعهد اجتماعی، تخنیک‌ی و تخصصی در تحکیم مبانی زندگی جمعی، تقویت ارزش‌های حقیقی، نوع‌دوستی، تحکیم ارزش‌های مردمی، حمایت از ارزش‌های حقیقی الهی و کمک به توسعه آن توسط تمام اقشار مختلف مردم به همراه نرخ باسودای بالا، ارتقای امید به زندگی، پائین بودن نرخ مرگ و میر نوزادان، رشد جمعیتی متناسب و سایر زمینه‌های زندگی مسالمت‌آمیز عمومی برخوردار است (شرف‌آبادی و زمانی، 1392: ص 138).

2. اهداف انکشاف پایدار و مشکلات فراراه آن در افغانستان

انکشاف ذاتاً عامل تغییر و به‌عنوان مؤلفه‌ی تأثیرگذار است که می‌تواند بر ابعاد و شئون مختلف زندگی فردی و اجتماع، نقش آفرین باشد و براین مبنا، انکشاف پایدار دارای اهداف مختلف، از جمله: کاهش و محو فقر، آموزش باکیفیت و همه‌شمول، حکومت‌داری خوب، ارایه‌ی خدمات صحی مناسب برای همه و تأمین معیارهای حقوق بشری می‌باشد که متأسفانه این رویکرد در افغانستان با درنظرداشت شکست روند تحصیلات عالی نامتوازن موفق واقع نگردیده است و هیچ یک از ملت‌های جهان تا کنون با چالش‌هایی که امروز افغانستان با آن مواجه است، روبه‌رو نبوده که کشور ما در اثر ده‌ها سال

جنگ به ویرانه مبدل گردید و زیربنای بشری، نهادی و فزیکي آن یا کاملاً تخریب و یاهم به شدت آسیب دیده است. در بیست سال اخیر- افغانستان به فقر گسترده دست به گریبان بوده، منابع مالی محدود و این امر مانع عرضه خدمات انکشافی می‌شد که البته به سبب فعال بودن نابسامانی‌ها، رشد چشم‌گیر فعالیت‌های مجرمین، رشد ناامنی‌های روزافزون، حکومت‌داری ضعیف، موجودیت فساد اداری، عدم مساعد بودن زمینه‌های لازم برای انکشاف سکتور خصوصی، به جا گذاشتن اثرات ناگوار صنعت وسیع و روزافزون مواد و محدودیت ظرفیت‌های عمده‌ی بشری در سکتورهای عامه و خصوصی از دلایل اساسی آن می‌باشد (دارالانشای استراتژی انکشاف ملی افغانستان، 1386: ص 2).

در واقع فایق آمدن بر مشکلات احیا و بازسازی کشور به طوری که بتواند زمینه‌هایی لازم را برای رشد و توسعه پایدار مساعد نماید، مستلزم سال‌های متمادی و کمک‌های دوامدار جامعه بین‌المللی خواهد بود. این امر مستلزم ایجاد ساختارهای حکومت‌داری مرکزی و محلی می‌باشد که قادر به عرضه خدمات اساسی به تمام افغان‌ها باشند (دارالانشای استراتژی انکشاف ملی افغانستان، 1386: ص 2).

چنانچه در بالا تذکر به عمل آمد، امنیت مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری اهداف انکشاف پایدار دانسته می‌شود که این وضعیت در افغانستان دچار موانع مختلفی است که تمامی ابعاد امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی را تحت پوشش قرار داده است (یزدري، 1388: ص 17).

باتوجه به آن چه گفته شد، از اهداف اساسی انکشاف پایدار و ملی افغانستان که بر پایه‌های دانش و آگاهی لازم استوار می‌باشد، می‌توان موارد ذیل را بر شمرد:

- امنیت؛
- حکومت‌داری سالم، حاکمیت قانون و حقوق بشر؛
- زیربنا و منابع طبیعی؛
- معارف و فرهنگ؛
- صحت؛
- زراعت و انکشاف دهات؛
- مصنویت اجتماعی؛
- حاکمیت اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی (دارالانشای استراتژی انکشاف ملی افغانستان، 1386: ص 2).

با در نظر داشت آنچه گفته شد، اهمیت اهداف انکشاف پایدار برای افغانستان شامل نکات کلیدی ذیل اند:

1. اهداف انکشاف پایدار با دقت کامل طرح و ترتیب گردیده که تمام اولویت‌های انکشافی افغانستان در آن انعکاس یافته است.

2. این برنامه شاخص‌های محو فقر و گرسنه‌گی را به‌گونه دقیق تحلیل نموده که در حقیقت می‌تواند یک منبع و اساس خوب استراتژیک برای انکشاف اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور باشد.

3. تطبیق مؤثر این برنامه کمک خواهد کرد تا زمینه صلح و ثبات دایمی در کشور تأمین گردد و همچنان باعث خواهد شد تا حمایت مالی و تخنیکی جامعه جهانی با افغانستان بیش‌تر گردد.

4. افغانستان را از حالت وابستگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی به خودکفایی کامل و یک افغانستان مؤلد سوق خواهد داد.

5. برنامه‌های انکشاف ملی و پایدار افغانستان کمک می‌کند تا روی محیط زیست توجه زیادتر صورت گیرد.

6. برنامه‌های انکشاف ملی و پایدار افغانستان باعث می‌شود تا اهداف سکتوری حاصل خواهند شد و انکشاف اقتصادی و مشارکت جهانی سریع‌تر گردد.

7. برنامه‌های انکشاف ملی و پایدار افغانستان کمک می‌کند تا روی سهم فعال و کلیدی نهادهای دولتی، سکتور خصوصی، جامعه مدنی، مؤسسات غیردولتی، نهادهای آکادمیک و اقشار مختلف جامعه در خصوص تطبیق مؤثر آن تمرکز شود.

8. برنامه‌های انکشاف ملی و پایدار افغانستان کمک می‌نماید تا حمایت و همکاری تخنیکی و مالی جامعه جهانی را با خود داشته باشیم (وزارت اقتصاد، 1397: ص 9).

۳. نقش تحصیلات عالی در تحقق اهداف انکشاف پایدار

پوهنتون‌ها با مسئولیتی که باید آن‌را انجام دهند، تا اهداف انکشاف پایدار را تحقق بخشند، بیش از هر زمان دیگر مورد توجه قرار دارند. این عمل در قسمت تحقق انکشاف پایدار به‌عنوان یک نیاز مبرم برای نهادهایی که این اهداف را محقق می‌سازند، اجتناب‌ناپذیر و مهم می‌باشد.

پوهنتون‌ها به صورت کلی چهار امر ذیل را به جامعه تقدیم می‌نمایند:

- تربیه پالیسی‌سازان برای یک آینده با ثبات؛
- انجام تحقیقات برای حل مشکلات و به‌دست آوردن معلومات و دیتا که حامی و مدافع یک جامعه با ثبات و مرفه باشد؛
- پوهنتون‌ها به‌عنوان یک مدل، الگو و یک دنیا واقعی از ثبات را در سطح ملی به پیش می‌برند؛
- پوهنتون‌ها نه تنها با هم‌دیگر؛ بلکه با مشارکت اجتماعی نیز همکاری و مساعدت می‌کنند.

یک پوهنتون با اهداف انکشاف پایدار کافی که مورد حمایت هم قرار می‌گیرد، از فواید کیفیت و بهبود امور بهره‌مند می‌گردد. به هر اندازه‌ای که علاقه‌مندی به کیفیت و بین‌المللی شدن تحقیق افزایش می‌یابد، به همان تناسب اهداف انکشاف پایدار نیز بهبود می‌یابد.

عناصر کلیدی که دست‌آوردهای اهداف انکشاف پایدار را با مراجع ذیربط در هر مؤسسه تحصیلی تحت تأثیر قرار می‌دهد، دارای یک حد معین قابل درک می‌باشند. بدین ترتیب واضح است که موانع تطبیق تنظیم تحقق انکشاف پایدار در پوهنتون‌ها نه تنها دربرگیرنده عدم موجودیت آگاهی، مهارت‌ها، شایسته‌گی‌ها، تنظیم زمان و مسئولین؛ بلکه فقدان مواد آگاهی‌دهی در تحقق اهداف انکشاف پایدار نیز می‌باشد.

کارشناسان از گنج‌اندیدن ثبات و پایداری در نصاب تحصیلی پوهنتون‌ها به عنوان یک نقطه‌ی عطف و آغازین برای رویکردهای وابسته به پایداربودن حمایت می‌نمایند؛ چون تحصیلات یک اصل بسیار حیاتی و مبرم پنداشته می‌شود.

پوهنتون‌ها مکلف اند تا نقش استراتژیک را در صنعتی شدن کشور شان ایفا کنند؛ چون تحصیلات عالی یک جز بسیار عمده و مهم دانش اقتصادی را پیشکش می‌کند. پایداری در نهادهای تحصیلات عالی نظریه هر زمان دیگر برای پوهنتون‌ها به یک آرزوی بلندپروازانه مبدل گردیده‌است.

اهداف انکشاف پایدار، اهداف و آرزوهای دنیا را تا سال 2030 میلادی اساس‌گذاری می‌نماید و حکومت‌ها، مؤسسات و جامعه مدنی را فرامی‌خواند تا فقر را ریشه کن و برای هرکس شانس زندگی کردن را همراه با فراهم ساختن فرصت و حفظ کرامت انسانی آن‌هم درحالی‌که منابع این سیاره را مورد احترام قرار دهند، مهیا نمایند. با فراهم نمودن ارتقای ظرفیت به استادان، اشخاص متخصص و محصلان تحصیلات عالی می‌تواند زمینه را برای فراهم نمودن آگاهی، خلاقیت و نوآوری به جامعه، سکتور اقتصادی و محیط فراهم سازد.

پوهنتون‌ها می‌توانند فرهنگ پایداری را به طریقه‌های مختلف بهبود بخشند. به‌طور مثال: با شامل ساختن آن در نصاب تحصیلی و یا با پیشبرد تجارب، بررسی‌ها، نوآوری‌ها و گسترده ساختن علم و دانش.

تا فعلاً عملکرد پوهنتون‌ها در رابطه به اهداف انکشاف پایدار ارزیابی نگردیده‌است. پوهنتون‌ها باید از پیشرفت‌های خود در تحقق اهداف انکشاف پایدار به‌طور دوامدار گزارش ارایه نمایند. ارقام سازنده و تأثیرگذار از نتایج را به نشر بسپارند و در نهایت، تمام سعی و تلاش خود را در سیستم تنظیم پایدار بگنجانند تا بتوانند گروه‌های دخیل در موضوع را تمرین و جایگاه خود را در بین مراجع ذیربط احراز

نماینده. کارشناسان تأکید بر آن دارند که اهداف انکشاف پایدار زمینه را برای غالب شدن بر موانع به منظور حصول پایداری در مؤسسات تحصیلات عالی فراهم می‌سازد. اگر پوهنتون‌ها در جوامع نقش مراکز تحقیق، آموزش و خلاقیت و نوآوری را ایفا نمایند، می‌توانند به حل چالش‌هایی که سد راه اهداف انکشاف پایدار قرار می‌گیرند، نیز کمک نمایند (<https://mohe.gov.af/>).

اهداف انکشاف پایدار را نمی‌توان به‌عنوان یگانه مورد که پوهنتون‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد، حساب نمود؛ چون در حال حاضر بازار کار نیز یکی از ستون‌های اساسی محیط آکادمیک شناخته می‌شود و تحصیلات نیز تحت تأثیر شدید رقابت به منظور جذب فارغان قرار دارد. اگر پوهنتون‌ها طوری فعالیت نمایند که زمینه را برای آموزش باکیفیت و آینده بهتر برای نسل آینده فراهم سازند، به یقین که رقابت نقش مؤثر خواهد داشت.

به اساس یافته‌های محققین، اهداف انکشاف پایدار به شیوه‌های مختلف در عمل قابل تطبیق می‌باشند؛ آنهم از طریق مفردات درسی، در نظر گرفتن شایسته‌گی‌ها، استراتژی‌های کار، آموزشی و تحقیق که توسط استادان و محصلان انجام می‌شوند. اگر پوهنتون‌ها رابطه بین هر کورس را با اهداف انکشاف پایدار ذکر نمایند، بسیار ساده خواهد بود تا درک نماییم که چطور تحصیلات عالی به اهداف انکشاف پایدار و اهداف خاص آن کمک می‌کند.

چهارمین هدف انکشاف پایدار (SDG 4) به‌طور قابل ملاحظه به یک آموزش فراگیر، مساویانه، آموزش باکیفیت و دوامدار تأکید می‌دارد. (SDG 4) یکی از مهم‌ترین اهداف در بین هفده هدف کلی انکشاف پایدار می‌باشد، اما نقش خود را به‌عنوان تهداب برای اهداف دیگر نیز ایفا می‌نماید؛ چون برای تحقق و برآورده شدن اهداف دیگر ضروری می‌باشد. پوهنتون‌ها نقش بی‌مانند را در تحقق این اهداف دارا می‌باشند که در تحصیلات رسمی و غیررسمی به هر سطح محسوس است.

چهارمین هدف انکشاف پایدار، فراخوان دسترسی برابر به تحصیلات عالی از جمله پوهنتون‌ها می‌باشد که به‌عنوان بخشی از ارتقای فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه است. با این حال پوهنتون‌ها نقش مهم دیگری در اهداف توسعه پایدار نیز دارند که به‌عنوان موتور برای دستیابی به مجموعه‌ای کامل از این طریق نقش خود را در شکل‌گیری انسان، تولید دانش و ایجاد ابتکارات و نوآوری‌ها ایفا می‌نماید.

پوهنتون با سابقه‌یی طولانی که دارد، به‌عنوان یک نهاد آموزشی آغاز به کار نموده، مدت بعدتر دانش آفرینی (تحقیق) را ایجاد نمود و اخیراً به اصطلاح مأموریت سوم که (مشارکت) نامیده می‌شود. در بیش‌تر زمینه‌ها پوهنتون‌ها صرف برای نخبگان بوده‌است و آن‌ها را برای مشاغل مذهبی، مسلکی یا

اداري آموزش می‌داد. با گسترش مشارکت در تحصیلات عالی، پوهنتون پتانسیل بیش تری برای کمک به توسعه اجتماعی به دست آورده است. معلمان، داکتران و انجیران، در میان سایر متخصصان، تحصیلات آکادمیک را در سطوح بالاتر کسب می‌نمایند تا این‌که بتوانند مسلک خویش را در عمل انجام و حمایت جامعه را کسب نمایند. علاوه بر این پوهنتون‌ها تحقیقات بنیادی و کاربردی را در علوم ساینسی و انسانی به منظور بهبود درک ما از زندگی انجام می‌دهند.

ایجاد مرکز توسعه پایدار در مؤسسات تحصیلات عالی نشانه به موقع بودن تقویت درک تجربی و مفهومی ما از چه‌گونه‌گی دستیابی به اهداف توسعه پایدار از طریق آموزش عالی است. به تأیید از این حرکت تلاش اخیر برای سنجش موفقیت پوهنتون‌ها در تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد است. با وجود آن‌هم؛ درحالی‌که ابتکارات گسترده‌ای از آن نوع ذکر شده در بالا وجود دارد و تعدادی از پوهنتون‌هایی که فعالیت‌های خود را با اهداف توسعه پایدار هم‌سو می‌کنند، شکاف قابل توجهی در دانش و شواهد وجود دارد. هنوز نیاز به مستندسازی طیف وسیع از فعالیت‌های مرتبط با توسعه پایدار که توسط پوهنتون‌ها انجام می‌شود، به‌ویژه در کشورهای با درآمد کم و متوسط و ارزیابی همخوان بین فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و تحقیقی مشارکت اجتماعی و عملیات پوهنتون وجود دارد. علاوه بر این، برای سنجش تأثیر در عمل این فعالیت‌ها بر جامعه فراتر از نیت یا فرضیه‌های کاری به تحقیقات دقیق نیاز است. در نتیجه، تعدادی از پرسش‌های بی‌پاسخ از نظر اشکال و شیوه‌های نهادی وجود دارد که می‌تواند به بهترین شکل از اهداف انکشاف پایدار پشتیبانی کند و تأثیرات بالای بافت‌های محلی و ملی داشته باشد.

تحصیلات عالی به‌عنوان مظهر دانش و انشعاب‌دهنده‌ی ظرفیت بالقوه و توان معنوی یک جامعه دانسته می‌شود که مبنا و اساس هرگونه ترقی و پیشرفت را می‌توان بر موجودیت تحصیلات عالی توان‌مند و با ظرفیت تصور کرد؛ آن‌گونه که بتواند در راستای مختلف پلان‌گذاری تحصیلی و تطبیق آن پیش‌قدم و توان‌مند باشد که در این میان مهم‌ترین آثار و اهدافی که از آن در تحقق انکشاف پایدار حاصل می‌گردد، قرار ذیل اند:

الف. کاهش فقر: از طریق اتخاذ پالیسی و عمل اجتماعی، یکی از اهداف عمده و اساسی نهادهای انکشافی دانسته می‌شود که در چارچوب انکشاف ملی مسجل گردیده و هدف عمومی آن تحقق برنامه‌های معیشت و مسئولیت اجتماعی است که شامل: کاهش فقر از طریق ارتقای مصنوعیت بشری می‌باشد که در این میان کمک در ایجاد معیشت مداوم در جوامع شهرها و دهات به‌منظور رفاه و رهایی از فقر از طریق تقویت اداره و سیستم حکومت محلی نیازمندی‌هایی که دارای اولویت باشد، مرفوع

می شود و با درنظرداشت ویرانی بنیادهای اقتصادی، اجتماعی در شهر و محلات کشور و سالها خشک سالی ظرفیت های دولتی و خصوصی و خصوصاً آگاهی های علمی برای هرگونه مساعدت برای نابودساختن فقر از بین رفته است (امیری، 2003: ص 44).

در واقع افغانستان یکی از کشورهای فقیر و درمانده جهان است. اغلب افراد ساکن در آن به دلیل فقر از سوء تغذیه و فقر غذایی شدیداً رنج برده و از آرامش فکری و خودشکافی و دست رسی به بهداشت، درمان و آب سالم محروم هستند و این وضعیت ناشی از مشکلات بنیادی و ریشه ای بوده که بر مبنای عدم کارآمدی نظام تحصیلی و آموزشی کشور نیز استوار می باشد (رحمانی یزدری، 1388: ص 13).

باتوجه به این، فقر ریشه در ضعف آگاهی و میزان تحصیلات دارد و جامعه ای که سطح تحصیلات آن نهایتاً پایین باشد و اکثراً فرار مغزها به طور گسترده وجود داشته باشد و به جای گسترش و پالیسی سازی تحصیلی، زمینه های مساعد تحصیلی برای اقشار مختلف جامعه را بسته می سازد که یقیناً فقر جایگزین آن شده و در نهایت باعث فروپاشی نظام می گردد. اما برعکس، زمینه سازی برای رشد سطح تحصیلات در جامعه اولین گزینه ایی است که فقر را ریشه کن می کند.

ب. تحکیم امنیت و حکومت داری خوب: امنیت به معنی حاکمیت قانون و تأمین امن، نظم و حراست از فرد، فرد جامعه و یک کشور در برابر تهدیدات مختلف می باشد و هر کشور که بتواند تهدیدات بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، از طریق عرضه خدمات عامه، تمام شهروندان به آسایش، رفاه و امنیت دست می یابند. بنابراین، سکوت امنیت عمدتاً روی مسایل مهمی همچون؛ حاکمیت قانون، تأمین امن و نظم عامه، دفاع از تمامیت ارضی، انحلال گروه های مسلح غیرقانونی، پاک سازی ماین ها و غیره فعالیت می نماید. امنیت در تمام بخش های کشور برای حکومت داری مؤثر، انکشاف سکوت خصوصی، رشد اقتصادی، کاهش فقر و حفظ آزادی فردی و آزادی بیان ضروری می باشد. اهداف استراتژیک این رکن عبارت از تأمین امنیت دولت، اشخاص و ملکیت ها از طریق تطبیق دفاع یک پارچه و پایدار است. امنیت و پالیسی نظم و قانون می باشد و بدون شک آگاهی از ابعاد مختلف مسایل امنیتی، مستلزم داشتن ظرفیت تحصیلی و آگاهی علمی است که ناشی از تحصیلات عالی می گردد (وزارت اقتصاد، 1397: ص 49).

به همین گونه حکومت داری خوب بر مشارکت اقتدار مدیریت دولتی میان دولت و سازمان های غیردولتی تأکید می کند، به گونه یکه بازی گران دولتی و غیردولتی نه جداگانه؛ بلکه با تشریک مساعی

و همکارۍ دوطرفه به حل مشکلات اجتماعی بېر دازند. این دیدگاه به جای تمرکز صرف بر نهادهای دولتی، این نهادها را در همکاری چندجانبه با نهادهای غیردولتی بر می شمارند (اظهر، 1399: ص 32). ج. رشد زراعت و انکشاف دهات و محیط زیست: فراهم نمودن زمینه زندگی سالم و مرفه برای دهاقین، مالداران و مردم دهات به منظور تشویق و تأمین روحیه زندگی روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها که راه را به سوی کاهش فقر، کشت قانونی، رفاه و امنیت هموار می نماید، از اهداف مهم سکتور زراعت می باشد که مبنی بر دانش و آگاهی خاصی است. همچنان زراعت یکی از بهترین عامل تولید سرمایه برای مردم از طریق زنجیره ارزش و صادرات است؛ خصوصاً در محصولات باغ داری، مال داری و نباتات صنعت که با تجدید باغها توسط نهالها و بذرها اصلاح شده به کیفیت و حاصل خیزی فی واحد زمین افزود می گردد. بازسازی و بهبود شبکه های آبیاری و سیستم های تنظیم آب، مدیریت کشت و حفاظت نباتات به صورت قابل ملاحظه مؤثریت را بالا برده و در درآمدت قیمت زرع را پائین می آورد و با سرمایه گذاری در ذخایر باکیفیت، پائین آوردن خسارات بعد از رفع حاصل، دست رسی به قرضه و یک سیستم قابل اعتبار ترانسپورتی، دست رسی به بازار سهل می گردد که این همه وابستگی عمیقی بر دانش روز داشته و اتکا به تخنیک و ظرفیت کاربردی و عملیاتی دارد که بدون شک می توان منشأ آنرا از تحصیلات عالی دانست. یعنی زمانی می توان به زراعت و سیستم اقتصادی مرفه و توان مند دست یافت که سیستم تحصیلی سالم و باکیفیت داشت و بدون شک با برآورده شدن این، زمینه ی آگاهی و آموزش های عالی و باکیفیت می تواند ظرفیت های بالقوه را برای ترویج دانش زراعت و در کل اقتصاد تنظیم کند (وزارت اقتصاد، 1397: ص 56).

د. تحکیم حقوق مدنی و اجتماعی: آگاهی و دانش اجتماعی با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگی دارد و ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقرزدایی، تغذیه، صحت، مسکن، اشتغال و آموزش با کیفیت می باشد. همچنین توسعه دانش اجتماعی (که دقیقاً از پوهنتونها و تحصیلات ناشی می شود) شامل ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه و در بُعد وسیع تر شامل تقویت جامعه مدنی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی می گردد (پناهی، 1394: ص 14).

هـ. انکشاف معارف و حقوق شهروندی: سکتور معارف با در نظر داشت وزارت ها و ادارات شامل این سکتور از جمله سکتورهای مهم در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حایز اهمیت می باشد. بر مبنای حکم قانون دیدگاه درآمدت این سکتور این است که بدون در نظر داشت جنسیت، قومیت، وضعیت اجتماعی و اقتصادی یا تعلقات مذهبی همه افغانها به تعلیم و تربیه با کیفیت، تحصیلات

عالی، ارزش‌های فرهنگی، آزادای بیان و دسترسی حقوقی مساویانه داشته باشند تا زمینه انکشاف دانش و مهارت‌ها برای آنان مساعد شود و از آن طریق توان آن‌ها افزایش یابد. بنابراین، سکتور معارف که یک نیروی کاری سالم را با مهارت‌ها و دانش‌های مسلکی و تخصصی به جامعه تقدیم می‌کند، یک سکتور کلیدی برای تطبیق و تحقق پلان‌های انکشافی دولت و بخش خصوصی که هدف کلی رفاه جامعه و ثبات اقتصادی می‌باشد. برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی در درازمدت تلقی می‌شود که نیروی بشری متخصص و مسلکی را تربیه و جهت انکشاف اقتصادی و اجتماعی جامعه به سکتورهای مختلفه عامه و خصوصی آنان را معرفی می‌دارد (وزارت اقتصاد، 1397: ص 87).

با درنظرداشت آنچه بیان گردید، تحصیلات عالی و انکشاف پایدار به‌عنوان دو متغیر عرض وجود کرده اند که تأثیر و رابطه عمیقی میان شان وجود دارد و این رویکرد در افغانستان نیز قابل اهمیت و معنی دار است. بر این اساس، هیچ سکتوری نمی‌تواند به‌طور فردی و یا یک‌جانبه به نتایج مطلوب دست پیدا کند و موفق شود، مگر این‌که پای تحصیلات در میان باشد و بدون شک تحصیلات عالی که مظهر دانش و محل رشد ظرفیت‌های علمی یک جامعه دانسته می‌شود، با هرگونه موارد زندگی جامعه همخوانی داشته و نقش کلیدی در تغییر رویکرد انکشافی دولت در شهرها، ولایت‌ها و سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌نماید.

آموزش باکیفیت؛ چهارمین هدف انکشاف پایدار (SDG4)

تحصیلات عالی یکی از موارد عمده و اساسی می‌باشد که به وسیله آن می‌توان از فقر رهایی یافت و باعث تحرک اجتماعی- اقتصادی گردید. در دهه‌های گذشته رشد و انکشاف بسیار سریع در عرصه دسترسی یافتن به تحصیلات عالی، تعلیم و تربیه و آمار شمولیت بالا در تمام سطوح به مکاتب صورت گرفته است. (SDG 4) به معنای آموزش فراگیر و باکیفیت برای همه بوده که آموزش دوامدار را نیز بهبود می‌بخشد.

ملل متحد حصول آموزش باکیفیت را یکی از محرکه‌های اساسی توسعه می‌داند. پیشرفت‌های عمده در رابطه به ازدیاد افزایش دسترسی به تحصیلات به هر سطح صورت گرفته است. مهارت‌های اساسی سوادآموزی در سراسر جهان به‌طور چشم‌گیر بهبود یافته است و تا هنوز به تلاش‌های جسورانه نیاز است تا به اهداف دسترسی یافتن تحصیلات به سطح جهانی برای همه رسید.

به‌طور مثال دنیا به برابری و مساوات در قسمت فراهم نمودن تعلیمات ابتدایی یک‌سان به هر دو قشر جنسی؛ یعنی دختر و پسر رسیده است. اما باید گفت که چند کشور محدود و انگشت شمار است که به این هدف در سطوح مختلف تعلیمی و تحصیلی نرسیده‌اند.

ملل متحد ده هدف (Target) و ۱۱ شاخص (Indicator) را برای (SDG 4) تعیین نموده است. تارگیت‌ها اهداف خاص و شاخصه‌ها معیارهایی را مشخص می‌نمایند که توسط آن‌ها جامعه جهانی این مسأله را که آیا این اهداف برآورده شده است یا خیر پیگیری می‌نماید. اهداف متذکره قرار ذیل اند:

1. تخمین زده شده است که تا سال ۲۰۳۰ تمام اطفال به‌طور مساویانه و عادلانه دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را تکمیل نمایند که این خود می‌تواند نتایج مؤثر آموزشی (SDG 4) را در پی داشته باشد.
2. قرار است که تا سال ۲۰۳۰ تمام اطفال دسترسی مساویانه به انکشافات کیفی و حقوق اولیه دوره طفولیت خود از جمله مراقبت‌های صحی کامل تعلیمات قبل از مکتب را داشته باشند، تا باشد برای دوره ابتدایی آماده شوند.
3. قرار است تا سال ۲۰۳۰ همه افراد جامعه دسترسی مساویانه به تعلیمات تخنیکي، مسلکی و ثانوی به‌شمول پوهنتون‌ها را داشته باشند.
4. تا سال ۲۰۳۰ تعداد جوانانیکه مهارت‌های مربوطه به‌شمول مهارت‌های تخنیکي- مسلکی را دارا اند، به‌طور قابل ملاحظه برای استخدام در دوره‌های کاری و کارآفرینی افزایش میانند.
5. تا سال ۲۰۳۰ دسترسی عادلانه در تمام سطوح تحصیلی و تریننگ‌های حرفوی برای افراد آسیب‌پذیر به‌شمول افراد دارای معلولیت، مردم بومی و اطفال که در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند، فراهم می‌گردد.
6. قرار است تا سال ۲۰۳۰ تمام جوانان و یک رقم قابل ملاحظه از افراد کلان‌سن با سواد گردند.
7. تا سال ۲۰۳۰ تمام دانش‌آموزان، دانش و مهارت‌های مورد نیاز اهداف انکشاف پایدار را از جمله همه آن‌ها از طریق آموزش برای انکشاف پایدار و سبک زندگی پایدار، حقوق بشر، تقویه فرهنگ صلح و شهروندی جهانی و عاری از خشونت و قدردانی از تنوع کلتورها و مشارکت کلتوری به انکشاف پایدار مساعدت رسانند.
8. احیا و ارتقای سهولت‌های آموزشی برای اطفال که معیوب اند و فراهم نمودن محیط آموزش مصون و عاری از خشونت، فراگیر و مؤثر برای همه.
9. تا سال ۲۰۳۰ توسعه قابل ملاحظه تعداد سکارشپ‌ها برای کشورهای روبه‌انکشاف و به‌طور خاص کشورهای کم‌تر انکشاف‌یافته، جزایر کوچک و ایالت‌های روبه‌انکشاف و کشورهای افریقای برای ثبت نام در مؤسسات تحصیلات عالی به‌شمول تریننگ‌های مسلکی و تکنالوژی معلوماتی پروگرام‌های تخنیکي، انجنیری و علمی در کشورهای پیشرفته و کشورهای روبه‌انکشاف صورت می‌گیرد.

10. تا سال ۲۰۳۰ تریه معلمان متخصص و مسلکی آنهم از طریق همکاری بین‌المللی برای پروگرام‌های تریه معلم در کشورهای روبه‌انکشاف و به‌طور خاص در کشورهای کم‌ترانکشاف یافته و ایالت‌های پیشرفته به‌طور قابل ملاحظه افزایش میابد.

برای آموزش دوره ابتدائیه، متوسطه و تحصیلات عالی رسیدن به (SDG 4) مشکل به نظر می‌رسد. اجندا سال ۲۰۳۰ به‌طور خاص برای انکشاف پایدار یک تغییر قابل توجهی را در رابطه به آنچه که سازمان ملل متحد در قسمت آموزش به آن بیشتر تأکید می‌دارد، ارایه می‌نماید. هدف از آموزش باکیفیت (هدف چهارم) صرف فراهم نمودن آموزش عادلانه و مساویانه و فراگیر نمی‌باشد؛ بلکه بهبود بخشیدن به فرصت‌های آموزشی نیز می‌باشد. کارشناسان تأکید می‌دارند که SDG 4 تأثیر مستقیم بالای اهداف دیگر به‌شمول انکشاف اقتصادی دوامدار، فراگیر و پایدار، استخدام و کار سازنده و شایسته برای همه داشته، تولید و مصرف مسؤولانه، توأمیت و تطبیق استراتژی‌ها و به‌طور وسیع بالای احیا زیرساخت‌های قوی، تقویت و بهبود فراگیر صنعتی شدن و انکشاف پایدار، آموزش نوآوری به وسیله‌ی بهبود خلاقیت و نوآوری به سرعت بیشتر، دسترسی به آب آشامیدنی صحی، دسترسی به منابع انرژی از قبیل انرژی قابل تجدید، محافظت از ابحار و زندگی در روی زمین، شاخصه‌هایی که آموزش باکیفیت بالای کار و انکشاف اقتصادی داشته، نوآوری و زیرساخت‌ها، محافظت و مصرف و توأمیت. در واقع می‌توان توقع داشت که فقر و تنگ‌دستی و گرسنه‌گی را ریشه کن نمود. مردم باید با مراقبت صحی باکیفیت دسترسی داشته باشند، در فضای عاری از هرگونه تعصب و تبعیض زندگی مسالمت آمیز کنند و با آن‌ها برخورد عادلانه صورت گیرد. مردم باید در اجتماعات پایدار زندگی نمایند و تغییرات اقلیمی باید کاهش یابد. صرف با همین طریقه می‌توان در صلح زندگی نمود و با مؤسسات تحصیلات عالی با اعتبار به طریقه پایدار و مسالمت آمیز تعامل داشت.

بیشتر ملت‌ها به عملکرد و اهمیت تحصیلات عالی در قسمت ارتقای کلتور آموزش دوامدار تأکید دارند. زیربنا و اداره تدریس و آموزش در سکتور تحصیلات عالی ممکن تحت تأثیر این معیارهای در حال رشد قرار گرفته باشند. بهر صورت ساحه تحصیلات عالی بسیار مغلق و پیچیده شده‌اند، آنهم با داشتن برنامه‌ها، دیپارتمنت‌های مختلف، میتودهای انتقال دانش و مهارت‌های مسلکی و توأمیت‌ها. تلاش‌های وسیع به‌شمول تحقیقات علمی، تنظیم کارهای عملی و ساحوی (پروژه‌ها) که به پیداگوزی و آموزش محدود نگردیده‌اند، نیز جهت ادغام پایداری در تحصیلات عالی ضرورت مبرم و اساسی می‌باشد. به اساس نظریات متذکره پوهنتون‌ها باید در جستجوی آن باشند که چطور می‌توانند خود را به SDG 4 برسانند. پوهنتون‌ها باید فهم و درک آن‌را داشته باشند که توسعه پایدار چیست و چه

همکاری را در این راستا می‌توانند با آن انجام دهند. این عمل برای مراجع ذینفع (stakeholders) چه در محیط داخلی و بیرونی پوهنتون‌ها یک فرصت خاص را فراهم می‌سازد تا با هم یک‌جا کار نمایند و یک شبکه (Network) را به‌منظور احیا درک نمودن و بیان این موضوع ایجاد نمایند.

تحصیلات عالی نه‌تنها تریننگ و تنظیم مسولیت‌ها را بلکه پلان‌گذاری، curricular pedagogy و تحقیق را نیز در پلان عملیاتی آن نهاد شامل بسازند. محصلان که فعلاً در پوهنتون‌ها مصروف تحصیل اند، باید این چالش‌ها به‌شمول مشکلات مشترک، رکود اقتصادی، گرمایش جهانی (Global warming) و تلاش‌های مشترک مبارزه نموده تا 4 SDG را حاصل نمایند. برای این‌که اهداف پایداری و پلان‌های تطبیق توسعه‌ی را برای این اهداف توضیح نماییم، منسوبین پوهنتون باید سواد و دانش‌شان را ارتقا بخشند.

آموزش با کیفیت نتایج انکشاف و توسعه را برای افراد، اجتماع و کشورها بهبود می‌بخشد و چنین معنی می‌دهد که دسترسی بهتر به وظایف سودمند، مؤثر و کارا، تغذیه خوب و صحت، رفاه و سلامتی و انعطاف‌پذیری بیشتر در مقابل حوادث طبیعی مانند: زلزله، سیل، رانش زمین و... از نتایج مثبت آن می‌باشد.

براساس نظر کارشناسان در این عرصه، پوهنتون‌ها باید هر دو تحقیق و کورس‌های مربوطه خود را با اهداف انکشاف پایدار (SDGs) و مسولیت‌های مختلف را که در آن دخیل اند، ادغام نمایند. بدین ترتیب یک فرصت بی‌بدیل ایجاد می‌گردد که می‌تواند بین محتویات مورد بحث کورس‌ها یا مضامین با SDGs یک ارتباط برقرار گردد و تجارب آموزش را بهبود بخشد. پوهنتون‌ها ممکن با چنین محیط انکشاف نمایند و ارزیابی گردند و مسأله نوآوری و خلاقیت، تخنیک‌های آموزش و رویکردهای تحول‌آفرین در پوهنتون‌ها نیز استقرار یابند. پوهنتون‌ها باید سعی نمایند تا زمینه‌ی تحقیقات تطبیق محور (practice-oriented research) را افزایش دهند و به آن اهداف انکشاف پایدار تمرکز بیشتر نمایند که اجتماع و سکتورهای خصوصی را کمک نماید تا بیشتر مؤثر و پایدار گردند. پروگرام دوکتورا در این راستا بهترین گزینه است. پوهنتون‌ها باید یک نقش بسیار فعال و مؤثر را در تشویق محصلان ایفا نمایند تا آن‌ها از اهداف انکشاف پایدار حمایت نمایند.

در فرجام خاطر نشان می‌شود که پوهنتون‌ها و منسوبین آن بیش از پیش در عمل کار نمایند تا بیشتر فرصت‌هایی را که اهداف انکشاف پایدار برای آن‌ها نه‌تنها در امور تحقیق و تدریس؛ بلکه در امور فعالیت‌های تبلیغاتی آن‌ها (در اصطلاح... مأموریت سوم) ارایه می‌دارد، به حداعظمی گسترش دهند و در جامعه به‌عنوان مدافع از اهداف انکشاف پایدار عمل نمایند. پوهنتون‌ها باید پیش‌تاز باشند و از عقب‌گرد بر آن اهداف شریفانه جداً پرهیز نمایند.

نتیجه گیری

برای اولین بار کشورهای عضو سازمان ملل متحد با توافق آرا مصمم گردیدند تا یک برنامه انکشافی جامع و همه شمول را تحت نام "اهداف انکشاف پایدار" برای همه کشورهای جهان طرح و ترتیب نمایند. روند ترتیب اهداف انکشاف پایدار، گام همه شمول بوده و اқشار مختلف جوامع بشری به طور مستقیم در پروسه مشورتی ترتیب این سند سهم فعال گرفته اند و به تعداد ۷ هزار متخصص و دانشمند در پروسه انکشاف این اهداف به گونه مستقیم نقش ایفا نموده اند.

اهداف انکشاف پایدار گام یک پارچه و تفکیک ناپذیر بوده و ابعاد سه گانه (اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی) را متعادل می سازند. این اهداف در 15 سال آینده بخاطر بهبود رفاه عامه روی 5 محور اساسی (مردم، رفاه عامه، محیط زیست، صلح و ثبات، همکاری دایمی جوامع بشری)، با شعار این که "هیچ کس در جهان عقب نماند" تمرکز خواهد داشت.

پس از بحث و بررسی روی مسائل و مباحث فوق، یک سلسله نتایجی حاصل گردیده است که ذیلاً به شرح آن‌ها اشاره می رود:

1. انکشاف پایدار یکی از الزامات اساسی و حقوقی هر جامعه‌ی دانسته می شود که مستلزم توجه لازم و دانش کاربردی و خاص بوده و بدون شک زمانی می توان این رویکرد را به بوته اجرا قرار داد که دانش مسلکی ناشی از تحصیلات عالی باشد و بدون شک تحصیلات عالی و دانش تخصصی می تواند در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی تأثیر بالقوه و بالفعل داشته باشد.

2. انکشاف پایدار شامل ابعاد مختلف زندگی انسانی شده که شامل رشد اقتصادی شامل؛ توسعه زراعتی، انکشاف دهات و مبارزه با فقر می شود. رشد اجتماعی و ظرفیت سازی فرهنگی و علمی، رشد الزامات حکومت داری و امنیت، ایجاد زمینه های لازم برای حقوق شهروندی و مدنی و در نهایت زمینه سازی معارف و آگاهی عامه می گردد که هر یک از شاخص های یاد شده، رابطه ی تأثیر پذیری مستقیم از تحصیلات عالی و آگاهی مسلکی دارد و بدون این امر، هیچ گونه اثرگذاری و نتیجه یی که از جذابیت مطلوب برخوردار باشد، به دست نمی آید.

3. تحصیلات عالی به مثابه قلب تپنده یک ملت نقش نهایت کلیدی در تبلور دانش انکشافی داشته که بدون شک، تحصیلات جمع انکشاف مساوی به نتایج مطلوب و اثرگذار منتج می گردد و این اصل و فرمول تا زمانی مؤثریت دارد که هردو ضلع و پایه آن هم سان حفظ شود. در غیر این صورت، جامعه یی که از فیض دانش و تحصیلات عالی بی بهره باشد، بدون شک به اهداف انکشاف پایدار نمی رسد.

منابع

- اظهر، ظهيرالدين. (1399). بررسی نقش حکومتمداری خوب در اصلاح اداره، تیزیس ماستری رشته پالیسی و اداره عامه پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل.
- امیری، عبدالحق. (2003). تحولات اقتصادی افغانستان؛ جاکارتا - اندونیزیا، نشر نویسنده.
- پناهی، محمدحسین. (1394). توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره 22، ص: 14.
- جمعی از نویسندهگان. (1387). فرهنگ اصلاحات اجتماعی و اقتصادی، تهران: انتشارات مازیار.
- دارالانشا. (1386). استراتژی انکشاف ملی افغانستان، کابل: قصر گلخانه، صدارت عظمی.
- رحمانی یزدری، علی جان. (1388). افغانستان و فقرزدایی، تهران: نشر مشهور.
- شرف آبادی، کاظم منافی و زمانی، الهام. (1392). نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال 7، شماره 73 و 74.
- معین، محمد. (1392). فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ادینا، ج 1.
- وزارت اقتصاد. (1397). چارچوب انطباق دهی و هم‌خوان‌سازی اهداف انکشاف پایدار افغانستان، کابل: ناشر وزارت اقتصاد ج 1.1.

Teresa Nogueiro, Margarida Saraiva and Fatima Jorge. (22 November 2022). The Sustainable Development Goal 4 and the Impact Ranking: Quality Education in Portuguese Higher Education Institutions, journal of biomedical research & environmental sciences.

Maia Chankseliani & Tristan McCowan. (6 November 2020). Higher education and the Sustainable Development Goals, Springer Nature.